

کتاب دانیال - شماره شصت و چهار

آشکار سازی نبوت: پیوند دادن ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ با زمان مهر گذاری، باران آخر، و کار نہایی مسیح

Jeff Pippenger

2024-01-28

در مقالات اخیر، ما به چند عبارت از روح نبوت اشاره کرده ایم کہ دورہای زمانی را از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا ہنگامی کہ میکائیل برمی خیزد و مہلت آزمایش بشر پایان می یابد، مشخص می سازند. در خلال آن دورہ زمانی، چند تصویر نبوی وجود دارد کہ کار نہایی مسیح را در قدس الاقداس مشخص می کنند.

کار مسیح در قدس در رؤیای نہر اولای در دانیال باب ہشت بہ تصویر کشیدہ شدہ است، و خواہر وایت بہ ما آگاہ ساختہ است کہ رؤیای نہر اولای اکنون در حال تحقق است. آخرین کاری کہ در قدس آسمانی انجام می شود، و اکنون در حال تحقق است، با اصطلاحات گوناگون نبوی نمایش دادہ شدہ است. این کار، از جملہ در میان دیگر بازنمایی های نبوی، بہ عنوان زمان مهر شدن، باران آخر، کار پایانی نجات، و تطہیر ہیکل معرفی شدہ است. مہم است کہ این اصطلاحات را در کنار یکدیگر قرار دہیم، و نیز آن ہا را در جایگاہ درست تاریخی شان بنشانیم.

«در آن زمان، ہنگامی کہ کار نجات بہ پایان خود نزدیک می شود، مصیبت بر زمین خواہد آمد، و امت ہا خشمگین خواہند شد، اما مہار خواہند گردید تا از کار فرستہ سوم جلوگیری نشود. در آن زمان، «باران آخر»، یا تازگی ای از حضور خداوند، خواہد آمد تا بہ ندای بلند فرستہ سوم قدرت بخشد و مقدسان را آمادہ سازد تا در دورہای کہ ہفت بلای آخر فرو ریختہ خواہد شد، استوار بایستند.» Early Writings, 85.

«کار فرستہ سوم» ہمچنین «کار نجات» است، کہ «مقدسان را آمادہ می سازد تا در دورانی کہ ہفت بلای آخر ریختہ خواہد شد، استوار بایستند.»

اور قومیں غضب ناک ہوئیں، اور تیرا غضب آ پہنچا، اور مردوں کا وہ وقت بھی آ گیا کہ اُن کی عدالت کی جائے، اور یہ کہ تو اپنے بندوں یعنی نبیوں کو، اور مقدسوں کو، اور اُن کو جو تیرے نام سے ڈرتے ہیں، چھوٹے اور بڑے، اجر دے؛ اور انہیں ہلاک کرے جو زمین کو ہلاک کرتے ہیں۔ مکاشفہ 11:18

قومیں آزمائش کی مدت کے اختتام سے پہلے غضب ناک ہوتی ہیں (اور یہی وہ وقت ہے جب خدا کا قہر انڈیلا جاتا ہے)، تاہم جب قومیں غضب ناک ہوتی ہیں تو وہ ساتھ ہی "روکی بھی جاتی ہیں۔" وہ "وقت" جب قومیں غضب ناک ہوتی ہیں، نجات کے اختتامی کام کے آغاز کی نشان دہی کرتا ہے، اور نجات کا اختتامی کام خدا کے لوگوں پر مہر لگایا جاتا ہے۔

«مردم حقیقی خدا، کہ روح کار خداوند و نجات جان ہا را در دل دارند، ہموارہ گناہ را در سرشت واقعی و گناہ آلود آن خواہند نگریست. آنان ہمیشہ در جانب برخوردِ امینانہ و صریح با گناہانی خواہند بود کہ بہ آسانی قوم خدا را احاطہ می کند. بہ ویژہ در کار پایانی برای کلیسا، در زمان مهر زدن آن یکصد و چہل و چہار ہزار نفری کہ باید بی عیب در برابر تخت خدا بایستند، ایشان عمیق ترین احساس را نسبت بہ خطاہای قوم مدعی خدا خواہند داشت. این مطلب بہ گونہ ای نیرومند از طریق تمثیل نبی دربارہ آخرین کار، تحت تصویر مردانی کہ ہر یک سلاح کشندہ ای در دست داشتند، بیان شدہ است. مردی در میان ایشان جامہ کتان بر تن داشت و دوات کاتبی بر پهلوی او بود.» و خداوند بہ او گفت: از میان شہر، از میان اورشلیم، بگذر و بر پیشانی مردانی کہ

برای همه رجاسات انجام شده در میان آن آه می کشند و ناله می کنند، علامتی بگذار.» «شهادت ها، جلد 3، 266.

قوموں کو روکے رکھا جاتا ہے تاکہ وہ ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر لگائے جانے کے عمل کو نہ روک سکیں۔ مکاشفہ باب سات میں، وہ غضبناک قومیں جنہیں روکے رکھا گیا ہے، اسی عین مدت کے دوران روکی ہوئی چار ہواؤں کے طور پر ظاہر کی گئی ہیں، اور اس وقت کو خاص طور پر ایک مدتِ وقت کے طور پر متعین کیا گیا ہے۔

«شیطان اکنون در این زمان مہرگذاری از ہر حیلہ ای استفادہ می کند تا ذہن های قوم خدا را از حقیقت حاضر بازدارد و ایشان را بہ تزلزل اندازد۔ دیدم کہ خدا پوششی بر قوم خود می کشید تا آنان را در زمان تنگی محافظت کند؛ و ہر نفسی کہ بر حقیقت استوار بود و در دل پاک می بود، می بایست بہ پوشش قادر مطلق پوشانیدہ شود.»

«شیطان این را می دانست، و با قدرتی عظیم در کار بود تا ذہن های ہرچہ بیشتر مردم را، تا آنجا کہ ممکن بود، نسبت بہ حقیقت مردد و بی ثبات نگاہ دارد۔ ...»

"من دیکھا کہ شیطان این طریقوں سے سرگرم عمل تھا تاکہ اس مہر لگائے جانے کے وقت میں خدا کے لوگوں کو منتشر کرے، فریب دے، اور بھکا کر دور لے جائے۔ میں نے دیکھا کہ بعض ایسے تھے جو موجودہ سچائی کے لیے ثابت قدمی کے ساتھ کھڑے نہ تھے۔ ان کے گھٹنے کانپ رہے تھے، اور ان کے پاؤں پھسل رہے تھے، کیونکہ وہ سچائی پر مضبوطی سے قائم نہ تھے، اور قادر مطلق خدا کی اوٹ ان پر اس وقت تک نہیں تان دی جا سکتی تھی جب تک وہ اس طرح لرزتے رہتے۔"

«شیطان با بہ کار بردن ہر حیلہ خود می کوشید ایشان را در همان جایی کہ بودند نگاہ دارد، تا مہر شدن سپری شود، تا پوشش بر قوم خدا کشیدہ شود، و آنان بی پناہی در برابر غضب سوزان خدا، در ہفت بلای آخر، باقی بمانند۔ خدا آغاز کردہ است کہ این پوشش را بر قوم خود فروکشد، و بہ زودی آن بر ہمہ کسانی کہ در روز کشتار باید پناہی داشتہ باشند کشیدہ خواہد شد۔ خدا برای قوم خود با قدرت عمل خواہد کرد؛ و بہ شیطان نیز اجازہ دادہ خواہد شد کہ عمل کند.» Early Writings, 43, 44

خواہر وایت این سخنان را در سال ۱۸۵۱ نوشت، پنج سال پیش از آن کہ قوم خدا بہ وضعیت لائودیکہ داخل شوند و با رد کردن نور افزودہ «ہفت زمان»، فرایند مہر شدن را بہ تأخیر اندازند۔ آن نور، عمل خدا را در پوشانیدن قوم خویش پیش از ہفت بلای آخر افزایش می داد و بہ انجام می رسانید۔ اما در عوض، قوم خدا عصیان ورزیدند و محکوم شدند کہ در بیابان لائودیکہ سرگردان شوند، چنان کہ این امر در عصیان و سرگردانی قوم اسرائیل باستان در بیابان، بہ صورت نمونہ ظاہر شدہ بود۔ چہ تعداد از عاصیان اسرائیل باستان بہ سرزمین موعود داخل شدند؟ کدام آیہ در کتاب مقدس، یا روح نبوت، حتی یک لائودیکہ ای را کہ نجات خواہد یافت معرفی می کند؟ پاسخ این است: «هیچ کدام!» زیرا یک لائودیکہ ای بہ همان اندازہ گمشدہ است کہ آنان از اسرائیل باستان کہ در بیابان مردند۔

مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار، دورہ ای از زمان است، و آن ہنگام آغاز می شود کہ چہار فرشتہ چہار باد را بازمی دارند؛ همان زمانی کہ امت ها نیز بہ خشم می آیند، اما در مہار نگاہ داشتہ می شوند۔ در طی زمان مہر شدن، خدا قوم خود را برای ایستادگی در زمان ہفت بلای آخر آمادہ می سازد، و این آمادگی چنین باز نمودہ شدہ است کہ «پوششی» بر قوم خود می کشد؛ و نیز بہ صورت بہ انجام رساندن کار نجات و بہ انجام رساندن کار فرشتہ سوم تصویر شدہ است۔ آمادگی ای کہ بہ وسیلہ ہمہ این تمثیل ها باز نمودہ شدہ، بر پذیرش «حقیقت حاضر» مبتنی است۔

آنانی که «به استواری برای حقیقتِ حاضر» نخواهند ایستاد، همان کسانی‌اند که «متزلزل» بودند، زیرا ذهن‌هایشان بر «حقیقتِ حاضر» متمرکز نبود. او می‌نویسد که «دیدم بعضی را که برای حقیقتِ حاضر به استواری نمی‌ایستادند. زانوهایشان می‌لرزید، و پاهایشان می‌لغزید، زیرا بر حقیقتِ استوار نایستاده بودند، و پوششِ خدای قادر مطلق نمی‌توانست بر ایشان کشیده شود، مادام که چنین لرزان بودند.»

«حقیقتِ حاضر» وه ے جو «پردہ حفاظت» فراہم کرتی ے، اور یہی «پردہ حفاظت» «خدا کی مہر» کے طور پر بھی ظاہر کیا گیا ے۔ «خدا کی مہر» کی تمثیل اُس خون سے کی گئی تھی جس نے عبرانیوں کے دروازوں کو ڈھانپ لیا تھا، اور جس کے باعث ہلاک کرنے والا فرشتہ اُن گھروں کے اوپر سے گزر گیا جہاں دروازہ خون سے «ڈھانپا» گیا تھا۔ «پردہ حفاظت» ہی «مہر لگنا» ے، اور یہ «مہر لگنا» «حقیقتِ حاضر» کے وسیلہ سے انجام پاتا ے۔

آنان را به واسطهٔ حقیقتِ خود تقدیس فرما؛ کلام تو حق است. یوحنا 17:17.

هر جنبشِ اصلاحی مضمونِ خاص خود را داشته است، و مضمونِ جنبشِ اصلاحیِ صد و چهل و چهار هزار نفر، «اسلام وای سوم» است. «حقیقتِ حاضر» در ایامِ آخر، اسلام وای سوم است.

«کلام مقدس پیوسته بر قوم خدا گشوده می‌شود. همواره حقیقتی بوده است و همواره خواهد بود که به‌طور ویژه بر هر نسل قابلِ انطباق است.» 29، Review and Herald، ژوئن 1886.

این «پیام» حقیقتِ حاضر است که قوم خدا را در ایامِ آخر مہر می‌نهد، و زمانِ مہرگذاریِ چنین به تصویر کشیده شده است که از هنگامی آغاز می‌شود که چهار باد مہار شده‌اند. امت‌ها در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به خشم آمدند، و در آن هنگام مہرگذاریِ صد و چهل و چهار هزار تن آغاز شد، زیرا بارانِ آخر، که «یک پیام» است، آغاز به گشوده شدن کرد.

«بر یوحنا صحنه‌هایی از علاقه‌ای ژرف و هیجان‌انگیز در تجربهٔ کلیسا گشوده شد. او موقعیت، خطرات، کشمکش‌ها و رهایی نهایی قوم خدا را دید. او پیام‌های پایانی را ثبت می‌کند که باید محصول زمین را به کمال برسانند، خواه همچون دسته‌هایی برای انبار آسمانی، یا همچون هیزم‌بسته‌هایی برای آتش‌های هلاکت. موضوعاتی بس عظیم‌الاهمیت بر او مکشوف گردید، به‌ویژه برای آخرین کلیسا، تا آنان که از گمراهی به حقیقت باز می‌گردند، دربارهٔ مخاطرات و کشمکش‌هایی که در پیش روی ایشان است، تعلیم یابند. هیچ‌کس لازم نیست نسبت به آنچه بر زمین خواهد آمد در تاریکی بماند.» جدالِ عظیم، 341.

آن‌گاه که امت‌ها به خشم آمدند، در همان حال مہار شدند، و «بارانِ آخر» آغاز به باریدن کرد؛ و بارانِ آخر همان پیام «حقیقتِ حاضر» است که قوم خدا را مہر می‌زند.

«کام در بتل کریک از همان نوع است. رهبران در آسایشگاه با بی‌ایمانان درآمیخته‌اند و آنان را کمابیش به شوراهای خود راه داده‌اند؛ اما این همچون آن است که با چشمان بسته به کار پردازند. ایشان از بصیرت لازم برای دیدن آنچه ممکن است هر لحظه بر ما فرود آید، بی‌بهره‌اند. روحی از نومیدی، از جنگ و خون‌ریزی وجود دارد، و آن روح تا واپسین پایانِ زمانِ فزونی خواهد گرفت. به محض آنکه قوم خدا بر پیشانی‌های خود مہر شوند—و این نه مہر یا نشانی است که بتوان آن را دید، بلکه استقراری در حقیقت، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ روحانی، به‌گونه‌ای که نتوان آنان را جنبانند—به محض آنکه قوم خدا مہر شوند و برای تکان دادن آماده گردند، آن فرا خواهد رسید. در حقیقت، هم‌اکنون نیز آغاز شده است. داورهای خدا اکنون بر این سرزمین است تا به ما هشدار دهد، تا بدانیم چه چیزی در راه است.» Manuscript Releases، جلد 10، 252.

«مُهر شدن» یعنی «استقرار یافتن در حقیقت». او در زمینهٔ زمان مُهر شدن می‌نویسد: «روحی از درماندگی، از جنگ و خون‌ریزی وجود دارد، و آن روح تا واپسین لحظه‌های زمان پیوسته افزایش خواهد یافت.» هنگامی که ملت‌ها به خشم آیند، مهار خواهند شد، اما «جنگ و خون‌ریزی» که به صورت چهار باد به تصویر کشیده شده است، «تا واپسین لحظه‌های زمان» افزایش خواهد یافت. اسلام وای سوم، جنگ‌افروزی خود را به تدریج تا همان واپسین لحظه‌های زمان تشدید می‌کند، و فهم نبوی اسلام به‌عنوان «موضوع» در اصلاح یکصد و چهل و چهار هزار، هم‌زمان در همان دوره زمانی افزایش می‌یابد. این تشدید تدریجی که به وسیله اسلام تحقق می‌یابد، به موازاتِ فروریزی باران آخر در همان دوره زمانی یکسان پیش می‌رود، زیرا باران آخر یک «پیام» است.

«ممسوحانی که نزد خداوند تمامی زمین ایستاده‌اند، همان مقامی را دارند که زمانی به شیطان به‌عنوان کروی سایه‌گستر داده شده بود. خداوند به وسیله موجودات مقدسی که پیرامون تخت او هستند، ارتباطی پیوسته با ساکنان زمین برقرار می‌دارد. روغن طلایی نمایانگر آن فیضی است که خدا به وسیله آن چراغ‌های ایمانداران را پیوسته فراهم می‌سازد تا سوسو زنند و خاموش نشوند. اگر این روغن مقدس در پیام‌های روح خدا از آسمان فرو ریخته نمی‌شد، عوامل شر به‌طور کامل بر انسان‌ها تسلط می‌یافتند.»

«خدا هنگامی بی‌حرمت داشته می‌شود که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد، دریافت نکنیم. بدین‌سان، آن روغن طلایی را که او می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به آنان که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم. هنگامی که آن ندا دررسد: "اینک، داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون روید"، آنان که روغن مقدس را دریافت نکرده‌اند و فیض مسیح را در دل‌های خود گرمی نداشته‌اند، همچون باکره‌های نادان خواهند یافت که برای ملاقات با خداوند خویش آماده نیستند. آنان در خود توان به‌دست آوردن آن روغن را ندارند، و زندگی‌هایشان تباه می‌شود. اما اگر روح‌القدس خدا را بطلبیم، اگر همان‌گونه که موسی التماس کرد، ما نیز بگوییم: "جلال خود را به من بنما"، محبت خدا در دل‌های ما ریخته خواهد شد. از طریق لوله‌های زین، آن روغن طلایی به ما رسانیده خواهد شد. "نه به قوت، و نه به قدرت، بلکه به روح من، یهوه صباوت می‌گوید." فرزندان خدا با دریافت پرتوهای درخشان آفتاب عدالت، همچون نورها در جهان می‌درخشند.»

Review and Herald, July 20, 1897

باران آخر با «بارش خفیف» آغاز می‌شود و سرانجام به ریزشی کامل و فراگیر شدت می‌یابد. «بارش خفیف» باران آخر به‌عنوان بارانی شناخته می‌شود که «به اندازه» داده می‌شود، و ریزش کامل آن زمانی است که «بی‌حد و اندازه» فرو ریخته می‌شود. خواهر وایت به‌روشنی زمانی را مشخص می‌کند که باران آخر در حال باریدن است، و برخی آن را دریافت می‌کنند و برخی دریافت نمی‌کنند. در آن زمان، باران «به اندازه» داده می‌شود، یا در حال «بارش خفیف» است.

بعضُ الناس سیدرکون أن شيئاً ما يحدث، لكن ذلك لن يحدث فيهم إلا الخوف.

«در کلیساها باید ظهوری شگفت‌انگیز از قدرت خدا پدید آید، اما این ظهور بر کسانی اثر نخواهد گذاشت که خویشتن را در حضور خداوند فروتن نساخته‌اند و در دل خود را با اعتراف و توبه نگشوده‌اند. در تجلی آن قدرتی که زمین را با جلال خدا روشن می‌سازد، آنان جز چیزی نخواهند دید که در کوری خود آن را خطرناک می‌پندارند؛ چیزی که ترس‌های ایشان را برخواهد انگيخت، و خود را برای مقاومت در برابر آن آماده خواهند ساخت. چون خداوند مطابق انتظارات و آرمان آنان عمل نمی‌کند، با این کار به مخالفت برخوانند خاست. می‌گویند: «چرا ما نباید روح خدا را بشناسیم، حال آنکه این همه سال در خدمت بوده‌ایم؟» زیرا به هشدارها و استغاثه‌های پیام‌های خدا پاسخ ندادند، بلکه مصرانه گفتند: «من دولت‌مندم و مال اندوخته‌ام و به هیچ چیز محتاج نیستم.»» Maranatha, 219

«بسیاری تا حد زیادی در دریافت باران نخستین ناکام مانده‌اند. آنان همه برکاتی را که خدا بدین‌سان برای ایشان فراهم کرده است، به دست نیاورده‌اند. انتظار دارند که این کمبود به‌وسیلهٔ باران آخر جبران شود. هنگامی که غنی‌ترین فراوانی فیض عطا گردد، قصد دارند دل‌های خود را بکشایند تا آن را دریافت کنند. آنان مرتکب اشتباهی هولناک می‌شوند. کاری که خدا با بخشیدن نور و معرفت خویش در دل انسان آغاز کرده است، باید پیوسته ادامه یابد. هر فرد باید ضرورت شخصی خود را دریابد. دل باید از هر آلودگی تهی شود و برای سکنای روح پاک گردد. شاگردان نخستین با اعتراف و ترک گناه، با دعای جدی و وقف خویشتن به خدا، خود را برای ریزش روح‌القدس در روز پنطیکاست آماده ساختند. اکنون نیز همان کار، اما به درجه‌ای بیشتر، باید انجام شود. آنگاه عامل انسانی تنها می‌بایست برکت را درخواست کند و منتظر خداوند بماند تا کار مربوط به او را کامل سازد. این خداست که کار را آغاز کرده، و او کار خویش را به انجام خواهد رسانید و انسان را در عیسی مسیح کامل خواهد ساخت. اما نباید از فیضی که باران نخستین نمایندهٔ آن است، غفلت شود. تنها کسانی که مطابق نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتری دریافت خواهند کرد. مگر آنکه ما روزانه در نمودار ساختن فضایل فعال مسیحی پیشرفت کنیم، ظهورات روح‌القدس را در باران آخر تشخیص نخواهیم داد. ممکن است آن بر دل‌های اطراف ما در حال باریدن باشد، اما ما نه آن را تشخیص خواهیم داد و نه دریافت خواهیم کرد.» شهادت‌ها برای خادمان، 506، 507.

در این بخش، او مشخص می‌سازد که زمانی فرا می‌رسد که «غنی‌ترین فراوانی فیض عطا خواهد شد»، و بدین‌سان زمانی را معین می‌کند که باران آخر بدون اندازه فرو ریخته می‌شود. در پیوند با این حقیقت، او تصریح می‌کند که تنها کسانی که مطابق نوری که دارند زندگی می‌کنند، نور بیشتری دریافت خواهند کرد. در این اصل، آشکار است که نور (که همان حقیقت حاضر است) به‌تدریج افزایش می‌یابد. در آخرین جمله، او زمانی را معین می‌کند که باران آخر در حال باریدن است، و برخی آن را تشخیص داده و می‌پذیرند، و برخی دیگر نه. اگر پیام را، که همان باران آخر است، تشخیص ندهید، آن را دریافت نخواهید کرد.

«نباید در انتظار باران آخر بمانیم. این باران بر همهٔ کسانی می‌آید که شبنم و بارش‌های فیضی را که بر ما فرو می‌ریزد، بازشناسند و آن را از آن خود سازند. هنگامی که پاره‌های نور را گرد می‌آوریم، هنگامی که رحمت‌های یقینی خدا را، که دوست دارد ما به او اعتماد کنیم، ارج می‌نهیم، آنگاه هر وعده به انجام خواهد رسید. [اشعیا 61:11 نقل شده است.] تمامی زمین باید از جلال خدا پر گردد.» The Seventh-day Adventist Bible Commentary, volume 7, 984.

در زمانی که امت‌های خشمگین در بازداشت نگاه داشته می‌شوند، باران آخر آغاز می‌کند که «به اندازه» سنجیده شود. هنگامی که «فراوان‌ترین وفور فیض عطا خواهد شد»، این بیان معرف زمانی است که باران آخر بی‌اندازه فرو ریخته می‌شود.

در زمانی که امت‌ها خشمگین می‌شوند، اما مهار شده نگاه داشته می‌شوند، باران آخر آغاز به باریدن می‌کند، اما «پیمانه‌شده» است، زیرا کلیسا در آن مقطع با گندم و کرکاس درآمیخته است. این همان بارانی است که هم گندم و هم کرکاس را به کمال می‌رساند، و باران آخر همان پیام حقیقت حاضر است که یا شناخته و پذیرفته می‌شود، یا نمی‌شود. همهٔ این مفاهیم نبوی به‌روشنی در کتب مقدس مشخص شده‌اند. در 11 سپتامبر 2001، باران آخر آغاز به «پاشیدن» کرد، و به‌تدریج شدت می‌گیرد تا آن‌گاه که پیام فریاد نیمه‌شب فرا رسد و باکره‌های دانا و نادان برای همیشه از هم جدا شوند.

پس حکیمان همچون علّمی برافراشته می‌شوند تا گلهٔ دیگر خدا را از بابل فراخوانند، و آن‌گاه باران آخر بی‌پیمانه فرو ریخته می‌شود و پیوسته می‌بارد تا میکائیل برخیزد و مهلت آزمایش انسان به پایان رسد.

«من دیدم که آن چهار فرشته، چهار باد را نگاه خواهند داشت تا کار عیسی در قدس به انجام رسد، و آنگاه هفت بلای آخر خواهد آمد.» Early Writings, 36.

نگه داشتن چهار باد، نمودار مهار مشیت آمیز خدا بر دآوری های فزاینده ای است که او اجازه می دهد در ایام آخر واقع شوند. آن چهار فرشته، چهار باد را در زمان مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نگاه می دارند، اما در آن دوره زمانی «روح درماندگی، جنگ و خونریزی» وجود دارد، و آن روح افزایش خواهد یافت. هنگامی که آخرین فرزندان خدا مهر شده باشند، میکائیل برخواهد خاست و چهار باد به طور کامل رها خواهند شد، و هفت بلای آخر فرا خواهد رسید.

در «ساعت زلزله عظیم» مذکور در مکاشفه، باب یازدهم، در «ایام سخت» دانیال، باب نهم، هنگامی که کوچه و حصار به انجام رسیده باشد، همان زمانی است که «امت ها خشمگین خواهند شد.» در آن دوره زمانی، باران آخر در «پیمان» ریخته خواهد شد. اشعیا زمانی را که باران آخر سنجیده می شود مشخص می سازد، و آن زمان را «روز باد شرقی» می نامد. «روز باد شرقی» یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ بود.

ما در مقاله بعدی به بررسی «اندازه گیری» باران آخر ادامه خواهیم داد، اما باید به یاد داشت که آن گوهر رؤیای میلر که بر لوح های مقدس حقوق به صورت سه وای اسلام به تصویر کشیده شده است، باید در ایام آخر ده بار درخشان تر از زمانی بدرخشد که نخستین بار به وسیله میلر گرد آورده شد.

«در یک موقعیت، هنگامی که در شهر نیویورک بودم، در ساعات شب فراخوانده شدم تا پناهایی را مشاهده کنم که طبقه بر طبقه به سوی آسمان سر برمی آوردند. این بناها به عنوان ضد حریق تضمین شده بودند، و برای جلال بخشیدن به مالکان و سازندگان خود برپا می شدند. این بناها بالاتر و باز هم بالاتر می رفتند، و در آنها گران بهاترین مصالح به کار رفته بود. آنان که این بناها از آن ایشان بود، از خود نمی پرسیدند: "چگونه می توانیم به بهترین وجه خدا را جلال دهیم؟" خداوند در اندیشه های ایشان نبود.»

«با خود اندیشیدم: "آه، کاش آنان که بدین گونه اموال خویش را سرمایه گذاری می کنند، می توانستند مسیر خود را آنگونه که خدا آن را می بیند، ببینند! آنان بناهای باشکوه بر هم می نهند، اما طرح ریزی و تدبیرشان در نظر فرمانروای جهان چه اندازه احمقانه است. ایشان با تمامی قوای دل و ذهن در پی آن نیستند که چگونه خدا را جلال دهند. آنان این حقیقت را، که نخستین وظیفه انسان است، از نظر دور داشته اند.»

"جب یہ بلند و بالا عمارتیں تعمیر ہوئیں تو اُن کے مالکان نے بلند پرواز تکبر کے ساتھ خوشی منائی کہ اُن کے پاس اتنا مال ہے کہ اپنی نفسانی خواہشات کی تسکین کریں اور اپنے پڑوسیوں میں حسد بھڑکائیں۔ اُس مال کا بڑا حصہ، جیسے اُنہوں نے اس طرح صرف کیا، ناحق وصولی اور غریبوں کو کچلنے کے ذریعے حاصل کیا گیا تھا۔ وہ بھول گئے کہ آسمان میں ہر کاروباری معاملے کا حساب رکھا جاتا ہے؛ ہر ناروا سودا، ہر فریب آمیز عمل، وہاں قلم بند ہے۔ وہ وقت آ رہا ہے جب انسان اپنے فریب اور گستاخی میں اُس حد تک پہنچ جائیں گے جس سے آگے خداوند اُنہیں گزرنے نہ دے گا، اور وہ جان لیں گے کہ یہوواہ کی درگزر کی بھی ایک حد ہے۔"

«صحنہ ای کہ سپس در برابر من گذشت، هشدار آتشی بود. مردان به ساختمان های بلند و به گمان خود نسوز نگرستند و گفتند: "آنها کاملاً ایمن اند." اما این ساختمان ها چنان سوختند که گویی از قیر ساخته شده بودند. خودروهای آتش نشانی هیچ کاری از پیش نبردند تا ویرانی را متوقف سازند. آتش نشانان نتوانستند تجهیزات را به کار اندازند.»

«به من تعلیم داده شده است که هنگامی که وقت خداوند فرا رسد، اگر در دل های انسان های مغرور و جاه طلب هیچ تغییری پدید نیامده باشد، آدمیان خواهند یافت که همان دستی که برای

نجات نیرومند بوده است، برای هلاک کردن نیز نیرومند خواهد بود. هیچ قدرت زمینی نمی‌تواند دست خدا را بازدارد. هیچ مصالحی را نمی‌توان در برپایی ساختمان‌ها به کار برد که بتواند آنها را از ویرانی محفوظ دارد، آنگاه که زمان مقررشده خدا فرا رسد تا به سبب بی‌اعتنایی انسان‌ها به شریعت او و به سبب جاه‌طلبی خودخواهانه آنان، جزا را بر ایشان فرو فرستد.» شهادت‌ها، جلد ۹، ۱۲، ۱۳.